

فرار مغزها (علل و انگیزه‌ها)^۱

محمد حسین میرباقری و پرویز دوامی

دانشکده مهندسی و علم مواد، دانشگاه صنعتی شریف

چکیده: این مقاله که قسمت دوم از موضوع پدیده فرار مغزهاست، با نگرش بر منشأ و ریشه‌های این پدیده تدوین شده است. در مقاله اول به تاریخچه این پدیده پرداخته شد^۲ و سپس، تقسیم‌بندی پدیده فرار مغزها بر اساس دوران تاریخی آن به سه دوره قبل از انقلاب (پادشاهی)، دوران انقلاب و بحران و دوران تثبیت و آرامش نسبی تقسیم و آمار مهاجرت در هریک از این دوره‌ها بررسی شد. در مقاله حاضر سعی شده است نظرهای صاحب‌نظران در زمینه علل مهاجرت نیروهای کارآمد و نخبه جمع‌آوری و بررسی شود. از آنجا که نظرها متفاوت هستند و هر شخص یا سازمان و نهادی از دیدگاه تخصصی خود همانند دیدگاه‌های جامعه‌شناسی، اقتصاد، سیاسی، فرهنگی، حقوقی و غیره به این موضوع پرداخته است، تلاش شد تا با کمک استادان و دانشجویان تحصیلات تکمیلی یک نظر سنجی از فرهیختگان و دانشگاهیان کشور بر اساس طرح سؤال‌هایی در خصوص انگیزه‌های مهاجرت صورت گیرد. سپس، نتایج به دست آمده در کنار آمار کشورهای خارجی تحلیل و دسته‌بندی شد، به گونه‌ای که مجموعه عوامل و انگیزه‌های ارائه شده در پژوهش حاضر بتواند برای تبدیل فرار مغزها به گردش مغزها مورد استفاده دولتمردان و دست‌اندرکاران این موضوع قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: فرار مغزها، نابسامانی، نظرسنجی، مهاجرت، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و گردش اندیشه.

1. این پژوهش با حمایت مالی فرهنگستان علوم ج.ا.ا انجام شده است.

2. فصلنامه آموزش مهندسی ایران، شماره ۲۴، سال ۶، زمستان ۱۳۸۳.

۱. مقدمه

تعدادی از صاحب‌نظران معتقدند که هیچ‌گاه به طور زیربنایی و جدی مسئله مهاجرت متخصصان و نخبگان به دیگر کشورها مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار نگرفته [۱-۹] و حتی به انگیزه، نیازها، انتظارات و خواست‌های آنها توجه نشده است. از نظر مادی اگر چه میزان درآمد و حقوق نخبگان در مقایسه با درآمد آنان در کشور میهمان قابل مقایسه نیست، ولی همه مهاجرت‌ها صرفاً به دلیل کمی میزان حقوق یا درآمد نبوده، بلکه در کشورشان با آنها به طور منصفانه یا عادلانه رفتار نشده است و رفتارهای تبعیض آمیز و عوامل دیگری مانند نظام حقوقی، قضایی یا قانونی مملکت، نظام آموزشی مدارس و دانشگاه‌ها، نظام پزشکی و بهداشتی کشور و بالاخره، اوضاع سیاسی و اجتماعی مملکت مانند نبودن آزادی یا عدم احترام به حقوق شهروندی یا نظام اداری و بوروکراتیک سازمان‌ها و نظایر آن از جمله عوامل مؤثر مهاجرت نخبگان کشورهای جهان سوم به دیگر کشورها بوده است.

در خصوص مهاجرت نخبگان به کشورهای خارج، دکتر زارع و دکتر حکیمی، از اقتصاددانان کشور، دلایل آن را به شرح زیر بیان داشته اند [۱۰-۱۲]:

۱. فقر امکانات آموزشی و پژوهشی و آزمایشگاهی؛
۲. عدم شایسته سالاری به طوری که افرادی با صلاحیت‌های بسیار پایین تر از آنها در رأس پست‌های حساس و مدیریتی قرار دارند [براساس گزارش آنها ۶۰ تا ۷۰ درصد از نخبگان یا بیکارند یا در پست‌های مناسب خود قرار ندارند]؛
۳. وجود مسائل اقتصادی و نبودن امکانات رفاهی و اولیه برای افراد؛ به طوری که باعث کاهش یا نبودن شوق به کار و امید به آینده شده است؛
۴. علل تاریخی یا فرهنگی، به طوری که اکثر افراد به دنبال منافع فردی هستند تا منافع ملی یا جمعی؛
۵. ناهماهنگی بین نگرش کلان مسئولان، به طوری که تعدادی از آنها به صورت مثبت

و بعضی دیگر به شکل منفی به این پدیده می نگرند. براساس نظرهای صاحب نظران، گسترش دانشگاه‌ها از نظر کمی و بی توجهی به ارزش‌های کیفی یا استانداردهای آموزشی در نظام برنامه‌ریزی کشور از دیگر موانع یا عوامل بازدارنده جذب نخبگان محسوب می‌شود.

با مطالعه گزارش‌های سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در امور فرهنگی ایرانیان خارج از کشور، مهاجرت ایرانیان را می‌توان به طور کلی به دو بخش قبل از انقلاب اسلامی و بعد از آن تقسیم کرد. قبل از انقلاب اسلامی اکثر مهاجرت‌ها از گروه‌های مختلف بوده است، ولی بعد از انقلاب عمدتاً افراد متخصص مهاجرت کرده‌اند [۱۲]. علل اصلی جذب نخبگان به مراکز علمی سایر کشورها را می‌توان بدین شرح توضیح داد:

بی توجهی به جایگاه علم و عالم: آن قدر که در رسانه‌ها از خوانندگان، هنرپیشه‌ها و ورزشکاران تجلیل می‌شود، به چهره‌های ماندگار علمی، استادان برجسته و مبتکران و مخترعان یا المپادی‌ها احترام گذاشته نمی‌شود.

بی توجهی به پژوهش: بی توجهی به رشد کیفی و تحقیق و پژوهش در دانشگاه‌ها یکی دیگر از عوامل جذب نخبگان است. یکی از عواملی که دانشجویان بسیاری را به کشور آمریکا می‌کشاند، امکانات تحصیلی، تحقیقی، رایانه‌ای و اعطای کمک‌های تحصیلی، رفاهی و بورسیه‌هاست. در سال‌های اخیر، تعداد دانشگاه‌های داخل کشور بدون هیچ گونه برنامه مدونی یا تناسب رشته‌ها با مشاغل گسترش یافته‌اند و توجه بیشتر به ارزش‌های کمی بوده تا کیفی، به طوری که روش‌های تدریس بسیاری از کلاس‌ها صرفاً مبتنی بر تئوری‌ها و حفظیات قدیمی و سنتی است. به روز نبودن اطلاعات، استفاده از روش‌های سنتی و قدیمی و ابزارهای غیراستاندارد، پایین بودن میزان تحقیقات و پژوهش در مراکز علمی و ناهماهنگی بین تحقیقات و کاربرد آنها و تخصیص بودجه ناکافی به امر تحقیق و پژوهش و گسترش و ترویج مدرک گرایی، از عوامل دیگری هستند که بیشترین نارضایتی را در بین دانشجویان به دنبال داشته است.

عوامل اقتصادی: مسلماً یکی از عوامل اساسی که اکثر فرزندان را به کشورهای دیگر

جذب می‌کند، عوامل اقتصادی است. وقتی میزان حقوق یک متخصص در خارج ده‌ها برابر حقوق همان شخص در ایران است، مسلماً فرد به فکر مهاجرت به آن کشور خواهد افتاد.

عوامل سیاسی و قانونی: از عوامل دیگر مهاجرت عدم مصونیت‌های سیاسی، علمی و قضایی به دلیل اظهار نظر و نیز حاکمیت گروه‌های سیاسی بر دانشگاه‌ها و مراکز علمی و همچنین، طولانی یا قدیمی بودن قوانین در سیستم قضایی مملکت است.

عوامل اجتماعی: یکی دیگر از عوامل فرار مغزها عدم شناخت قدر و منزلت تحصیل کرده‌ها و نوع برخورد با آنهاست که از آن جمله می‌توان به فراهم نشدن فرصت‌های مطلوب برای ارائه طرح یا پروژه‌های مطالعاتی آنها اشاره کرد.

عدم شایسته سالاری: اکثر مشاغل به افراد بی صلاحیت یا کم صلاحیت واگذار شده است و تنها ۴/۴۱ درصد از کارآفرینان در بخش‌های صنعتی کشور مشغول به کارند. واگذاری مشاغل براساس رابطه تا ضابطه، عدم تطابق شغل با تخصص و رشته افراد [مثال بارز آن عدم تناسب تخصص وزرای کشور با منصب وزارت آنها] و همچنین، بوروکراسی دولتی و انحصاری بودن مشاغل از دیگر عواملی هستند که به مهاجرت نخبگان از کشور کمک کرده‌اند.

انحصارات دولتی: یکی دیگر از عوامل مهاجرت نخبگان، براساس نظرهای کارشناسان، انحصارات دولتی است، به طوری که از طرفی دولت به بهانه کوچک سازی از جذب نخبگان سرباز می‌زند و از طرف دیگر، در واگذاری فعالیت‌های کشور به بخش خصوصی طرفه می‌رود یا در صورت واگذاری، شیوه آن عادلانه و ضابطه‌مند نبوده است و لذا، دیگر جایی برای نخبگان باقی نمی‌ماند.

میزان امید به آینده: هرچه امید به آینده بیشتر باشد، میزان مهاجرت تقلیل پیدا می‌کند. امید به آینده جوانان در ارتباط با شغل آینده‌شان، میزان درآمد آنها، توانایی

تشکیل زندگی، خرید مسکن، ماشین و مانند آن و بالاخره، میزان امنیت کشور تماماً با ترک و عدم ترک مملکت ارتباط مستقیم دارند. افراد معمولاً جذب کشورهایی می‌شوند که از نظر جذابیت و امید به آینده روشن، اطمینان بیشتری داشته باشند [۱۱-۱۳].

خسرو سلجوقی در یک دسته‌بندی نسبتاً خوب و منطقی عوامل مهاجرت نخبگان از کشورهای جهان سوم به سمت کشورهای توسعه یافته را به صورت شکل ۱ بیان می‌کند [۱۳-۱۴]:



شکل ۱: تقسیم‌بندی علل مهاجرت نخبگان از کشورهای جهان سوم به کشورهای توسعه یافته [۱۳]

با مطالعه نظریه‌های یاد شده و بررسی آنها می‌توان انگیزه‌های مهاجرت مغزها را دسته‌بندی و سیاستگذاری مطلوب را برای جلوگیری از این پدیده زیانبار به عمل آورد. لذا، در ادامه انگیزه‌های مهاجرت به اجمال بیان می‌شود.

۲. انگیزه‌های مهاجرت

بررسی آثار محققان نشان می‌دهد که علل غالب مهاجرت نخبگان و کارآفرینان که بتوان بر اساس آن سیاستگذاری کرد و نرخ مهاجرت را کاهش داد، سه دسته انگیزه عمده سیاسی - امنیتی، فرهنگی و علمی است.

الف . انگیزه‌های سیاسی و امنیتی فرار مغزها

در مورد ایران، عوامل سیاسی از مهم‌ترین عوامل فشار شناخته شده است و عوامل اقتصادی، اجتماعی و شغلی از عوامل درجه دوم شناخته شده‌اند. برای اثبات این مدعا در ادامه این مقاله به حوادث سیاسی که در فرار مغزها از ایران مؤثر بوده‌اند، نظر می‌افکنیم [۷]. در مارس ۱۹۷۵، محمدرضا پهلوی تمام احزاب سیاسی موجود در کشور را منحل و تنها حزب کشور را به نام حزب رستاخیز مردم ایران تأسیس کرد. او از تمام ایرانیان به ویژه کارمندان دانشگاه و دولت خواست به عضویت این حزب درآیند. تنها نیروهای ارتش از عضویت در این حزب ممنوع بودند. شاه در یک سخنرانی گفت که اگر کسی نمی‌خواهد به این حزب بپیوندد، به دلیل امتناع از اصول، باید کشور را ترک کند. در نتیجه، تعدادی از فعالان سیاسی و دانشگاهیان که تحمل سیاست‌های سرکوبگرانه شاه را نداشتند به تدریج شروع به ترک کشور کردند.

انقلاب اسلامی ایران باعث سقوط رژیم پهلوی در فوریه ۱۹۷۹ شد. آیت الله روح الله خمینی که به دلیل مخالفت با برنامه‌های اصلاحی شاه از سال ۱۹۶۴ از کشور تبعید شده بود، در اول فوریه ۱۹۷۹ به کشور بازگشت. او در ۱۱ فوریه ۱۹۷۹ دولت تازه تأسیس شده موقت را رهبری کرد. تعدادی از نخبگان تحصیل کرده که قبلاً کشور را ترک کرده بودند،

برای مشارکت در انتقال قدرت به کشور بازگشتند. در حقیقت، چند ماه بعد از انقلاب، ایرانیان مسلمان تحت رهبری امام خمینی قادر شدند تا انقلاب را مطابق با آرمان‌های خود هدایت و جمهوری اسلامی را تأسیس کنند. سپس، جنگ تحمیلی آغاز شد و بعضی از جوانان به دلیل فرا خوانده شدن از طرف ارتش برای جنگ با عراق کشور را ترک کردند. بعضی از ایرانیانی که تخصص لازم برای یافتن کار و توانایی زندگی در خارج را نداشتند، به تدریج پس از توقفی کوتاه مدت در خارج از کشور شروع به بازگشت به ایران کردند، اما همچنان تعداد مهاجران زیاد بود. در دوره زمانی سال‌های ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۶، ایران رتبه پنجم را در بین کشورهای با تعداد مهاجر زیاد پس از کشورهای ویتنام، اتحاد جماهیر شوروی سابق، لائوس و کامبوج دارا بود. ایرانیان همچنین، یکی از بالاترین سطوح پناهندگان سیاسی را در اروپا دارا هستند.

پس از جنگ و از زمان اعتراض دانشجویان در ژوئیه ۱۹۹۹، فرار مغزها از ایران شتاب گرفت [۷-۸] و در این حادثه [که به دلیل اعتراض دانشجویان به فشار بر مطبوعات، نبودن آزادی و دموکراسی اندیشه و اعتراض به بستن روزنامه‌های اصلاح طلب بود]، چندین هزار دانشجو به طور مسالمت‌آمیز علیه بستن روزنامه و قانون تازه تصویب شده در مجلس - که آزادی‌های مطبوعات را محدود می‌کرد - اعتراض کردند، سپس، گروه‌های فشار به خوابگاه‌های دانشگاه تهران حمله کردند که در آن یک نفر کشته شد و حدود ۲۰۰ نفر زخمی شدند. این حمله بلافاصله توسط وزیر آموزش عالی و رئیس دانشگاه وقت محکوم شد. وقوع این حادثه تأسفار باعث ایجاد عدم امنیت در این دوران شد. در زمانی که کشور ایران شرایط سخت جنگ را پشت سر گذاشته و در آستانه بازسازی آثار جنگ بود و تقریباً ثبات امنیتی و سیاسی کشور دیگر از طرف دشمن تهدید نمی‌شد، اعتراض مذکور باعث شد تا بسیاری از استادان خبره و دانشجویان ممتاز به دلیل عدم امنیت سیاسی کشور را ترک کنند [۱۰-۱۲]. شاید بتوان هفت بخش اصلی تهدید کننده امنیت انسانی را که باید مورد توجه قرار گیرد، بر اساس نظریه خسرو سلجوقی به صورت زیر تعریف کرد [۱۳-۱۴]:

- ۱- امنیت اقتصادی، در آمدی مطمئن و به دست آوردن شغل داریم؛
- ۲- امنیت غذایی و امکان دسترسی فیزیکی و اقتصادی به مواد غذایی اصلی؛
- ۳- امنیت بهداشتی و امکان دسترسی فقرا و ثروتمندان به خدمات بهداشتی؛
- ۴- امنیت محیط زیست، سلامت محیط فیزیکی و آلودگی آب و هوا؛
- ۵- امنیت فردی و عدم تهدید از جانب دولت‌ها، سایر کشورها، گروه‌های مردمی، باندها، زنان و کودکان؛

۶- امنیت ارتباطات و امکان عضویت در گروه‌هایی مثل خانواده، حزب و سازمان؛

۷- امنیت سیاسی و احترام به حقوق اساسی انسان‌ها.

از مطالعه منابع مشخص می‌شود که یکی از عوامل اصلی دیگر فرار مغزها عدم امنیت انسانی است که در بیشتر موارد با امنیت‌های سیاسی و قضایی ارتباط نزدیک دارد. در حیطه فرار مغزها منظور از امنیت انسانی؛ یعنی نمردن یک کودک، شایع نشدن یک بیماری، از دست ندادن شغل، اختلافات قومی که به درگیری منجر نشود و مخالفی که ساکت نشود، امنیت انسانی مرتبط با زندگی، شأن و مقام انسان هاست و با زور و اسلحه ارتباطی ندارد. چهار شاخص امنیت انسانی به شرح زیر است:

الف - جهانی بودن و با توده مردم همراه بودن؛

ب - مرتبط بودن اجزای مختلف آن؛

ج - تأمین امنیت انسانی از طریق پیشگیری؛

د- اهمیت محوری امنیت انسانی؛ یعنی امنیت اینکه مردم چگونه زندگی و تنفس کنند [۱۵-۱۷].

گفتنی است که در نتایج تحقیق بعضی از محققان عوامل مؤثر بر انگیزه‌های سیاسی و امنیتی به طور پراکنده و بدون سیاستگذاری واحدی ارائه شده است که خلاصه و اهم موارد مؤثر بر انگیزه‌های یاد شده عبارت اند از [۱۱-۱۷]:

- کمبود آزادی‌های سیاسی
- تزلزل و تغییرات سیاسی

- وقوع انقلاب
- شروع جنگ
- شیوه اداری
- مدیریت
- تغییر سریع قوانین و دستور العمل ها و تأثیر آن بر جامعه به خصوص برای اندیشمندانی که با برنامه های دقیق آینده را می نگرند.
- حاشیه نشینی نخبگان ناشی از نبود شرایط شرکت آنها در ساخت های نهادی نظام سیاسی کشور
- عدم امنیت شغلی و فکری
- وقوع بی ثباتی های سیاسی
- وقوع جنگ فرسایشی و ناخواسته
- فضای نامناسب سیاسی

ب. انگیزه های فرهنگی

مهم ترین علت جابه جایی انسان ها علل فرهنگی است. ترک محل و ترک زادگاه و ترک کشوری که وطن آدمی است، ریشه در مسائل فرهنگی آن جامعه دارد؛ یعنی فرد نسبت به هویت خود پایدار نیست و در واقع، آن را کمرنگ می بیند و فرهنگ جامعه اش در او باورهایی به وجود آورده است که وطن خود را جای مناسبی به لحاظ فرهنگی نمی داند. این باور، شرایط اولیه حرکت را مهیا می کند. خسرو سلجوقی علل فرهنگی را با توجه به تحقیقات خود چنین بیان می کند:

۱. حاکمیت فرهنگ سازمانی و اداری ایستا و گاه منحط بر سازمان علمی و پژوهشی و رسوخ الگوهای رفتاری از قبیل دو چهرگی، تملق، دروغ پردازی، کم کاری، پنهان کاری و بی انگیزگی در فضاهای علمی، پژوهشی و کارشناسی؛
۲. فشار عوامل فرهنگی و فکری؛

۳. عدم رضایت شغلی ناشی از شرایط کاری، رابطه با همکاران، با مدیریت، فضای فرهنگی و اخلاق کار، میزان حقوق دریافتی، تبعیض‌های آشکار و پنهان، رابطه‌مداری و ضابطه‌گریزی، هنجار شکنی، تملق و دوچهرگی ...؛
۴. ملاحظات فرهنگی و اجتماعی در ممالک توسعه یافته؛
۵. فضای کاری مورد انتظار در ممالک توسعه یافته؛
۶. محتوای شغلی سودمند و خشنود کننده مشاغل در دسترس در کشور های پیشرفته؛
۷. تناسب بیشتر آموزش های نظری و عملی در خارج از کشور با محتوای شغلی مرتبط؛
۸. احساس عدم کارایی؛
۹. زیر سؤال بردن نظام ارزشی جامعه؛
۱۰. عدم اطلاع از فرهنگ خودی اعم از اسلامی و ایرانی؛
۱۱. ایجاد بی تفاوتی در آرمان های انقلاب (بی تفاوتی اعتقادی، مذهبی و ملی)؛
۱۲. نبود ارتباط بین صنایع و مراکز آموزشی و پژوهشی؛
۱۳. باور نداشتن ظرفیت های علمی و پژوهشی کشور؛
۱۴. عدم دسترسی به منابع علمی؛
۱۵. عدم غنای کتابخانه های کشور؛
۱۶. نگرش های فرهنگی و دیدگاه های مذهبی؛
۱۷. انتقال فرهنگ بیگانه با آموزش زبان بیگانه؛
۱۸. فضای اجتماعی و باورها و معیار های آن فضا که در طول ده سال بر اثر متغیر های گوناگون شکل گرفته است؛
۱۹. الگوسازی و الگوپذیری برای جوانان و نوجوانان؛
۲۰. کاهش انگیزه تعهد برای خدمت؛
۲۱. ایجاد تغییرات فرهنگی؛
۲۲. تبلیغات سوء رسانه های جمعی در خصوص مسائل داخل کشور؛
۲۳. ناهمگونی فرهنگی و سیاسی محیط خارج و داخل؛

۲۴. اعتقادات و ارزش‌های حاکم بر جامعه و تباین آن با بخشی از ارزش‌ها و رفتارهای غرب.

ج. انگیزه‌های علمی

اشتیاق به ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر، کمبود منابع داخلی و عدم ارضا کننده تشنگی علمی محققان و از سوی دیگر، کمبود امکانات مطالعاتی، کتب جدید و منابع علمی لازم و عدم تفاوت ارزش علمی دانشگاه‌های معتبر و ممتاز و فارغ‌التحصیلان آنها با سایر دانشگاه‌ها در امر تحقیق و استخدام، عدم تحقق شعار منزلت علمی بالاتر برای فرد دانشمندتر و داناتر و غیره، از جمله نابسامانی‌های علمی کشور است که منجر به خروج نخبگان ممتاز می‌شود.

عدم برنامه ریزی صحیح و اهمیت ندادن به نیروهای متخصص علمی و فنی می‌تواند به عنوان زمینه ساز جذب آنان به غرب محسوب شود. صاحب‌نظران در این زمینه ریشه‌های نابسامانی‌های علمی را که به خروج نیروی کار آفرین منجر می‌شود، چنین بیان می‌کنند:

- عدم پاسخگویی به انتظارات شغلی و تحصیلی فرد؛
- شکاف علم و فناوری بین کشور های توسعه یافته و در حال توسعه؛
- نظام آموزشی نوین ممالک توسعه یافته؛
- سود و درآمد بالای فعالیت های پژوهشی در کشور های توسعه یافته؛
- دسترسی به فرصت های آموزشی بهتر و دارای حیثیت بیشتر در ممالک توسعه یافته؛
- اشباع متخصصان؛
- ساخت مهارتی نامتوازن؛
- عدم توانایی فارغ‌التحصیلان در حل مسائل جامعه؛
- نبود شرایط مناسب برای بالا بردن سطح مهارت از طریق مراکز علمی؛
- نابسامانی از نظر روش آموزش که جنبه کتابی دارد و قدرت تحلیل و آفرینش

آموزش گیرندگان را پرورش نمی دهد و بر حافظه و انتزاع مبتنی است؛
- افزایش ساعات کار هفتگی استادان و کم شدن میزان مطالعه و پژوهش های آنها؛
- حاشیه نشینی حرفه ای بعد دیگری از مهاجرت برخی از ایرانیان از خارج بازگشته است؛

- نبود امکان و امکان کم شرکت در مجامع علمی و تخصصی؛
- نبود سلسله مراتب علمی در دانشگاه ها؛
- نبود امکانات کافی برای ادامه تحصیل در دوره های تکمیلی؛
- نبود استادان مجرب و کارآموده به ویژه در رشته های فنی؛
- وجود معضلاتی چون کنکور و آزمون های ورودی رشته های بالاتر؛
- عدم ارتباط برخی از رشته ها با صنعت و نیازهای کشور؛
- نبود نظام بهره گیری از توان علمی دانش آموختگان؛
- عدم انطباق تخصص و توان فارغ التحصیلان با نیازهای کشور؛
- تقلید بی کم و کاست دانشگاه های کشورهای در حال توسعه از مؤسسه های دانشگاهی کشورهای توسعه یافته تا جایی که نوعی از آموزش را گسترش دهند که هیچ گونه ارتباطی با موقعیت و شرایط محل کشور در حال توسعه نداشته است؛
- محدودیت فضای آموزشی، محدودیت آزادی عمل در پژوهش ها و دیکته شدن برخی از اهداف و دستاورد های پژوهش ها، نامطلوب بودن جهت پژوهش بین جریان اصلی و اجرای پژوهش از بالا به پایین و ضعف نقش و مشارکت پژوهشگران در تدوین اولویت ها و طراحی مسائل پژوهشی، سیطره پولگرایی به جای رسیدن به منافع انسانی و اجتماعی یافته های پژوهش و محوریت منافع و سودخواهی اقتصادی در فرایند پژوهش؛
- ابهام در ارزشگذاری فعالیت های علمی؛
- نظام کهنه و ایستای آموزشی در دانشگاه ها؛
- نبود فرصت های حرفه ای و پایگاه های اطلاعاتی کارایی برای دانش آموختگان؛
- امکان ادامه تحصیل در خارج از کشور؛

- نبود امکانات کافی برای تحصیلات تکمیلی؛
- بالا بودن سطح علمی کشورهای دیگر؛
- فراهم بودن امکان بروز استعدادها؛
- شانس ناچیز برای قبولی در دوره‌های مختلف؛
- خلأ شدید شخصیت های علمی؛
- عدم اعزام دانشجویان تحصیلات تکمیلی برای گذراندن به دوره های کوتاه مدت به کشور های صنعتی؛
- عدم تطابق آموزش دانشجویان با نیازهای صنعت و جامعه ایرانی؛
- فراهم بودن زمینه و امکانات علمی و پژوهشی در خارج از کشور؛
- عدم تعادل و تناسب در تربیت نیروی متخصص و پژوهشگر مورد نیاز کشور؛
- فراهم نبودن امکانات علمی و پژوهشی برای استادان و پژوهشگران دانشگاه‌ها و مراکز علمی، دسترسی مشکل به امکانات و وسایل آزمایشگاه، مواد، منابع، کتاب، مجلات و ...؛
- عدم استقلال و آزادی عمل پژوهشگر؛
- عدم توان به اجرا در آوردن یا علمی کردن کشفیات و تجارب آزمایشگاهی توسط پژوهشگران؛
- عدم رعایت شأن علم و عالمان [خواه مادی و خواه معنوی]؛
- عدم توجه به سطح علمی دانشگاه‌ها و عدم توازن در رشد کمی و کیفی دانشگاه‌ها؛
- تفاوت‌های نظام آموزشی؛
- عدم تناسب آموزش مدرسه‌ای و آموزش فنی در مدارس متوسطه که نتیجه آن، وجود تعداد بی شمار دانشجویست. این تعداد نسبت به نیازمندی‌ها و به ویژه نسبت به امکانات تربیتی و مادی دانشگاه‌ها بیش از حد به نظر می رسد .

نمونه‌ای از یک نظر سنجی دانشگاهی

در این پژوهش نویسندگان سعی کرده‌اند با توجه به عوامل مطرح شده، در زمینه علل فرار مغزها سؤال‌های عمده و اساسی را که می‌تواند در انگیزه مهاجرت نقش اصلی را ایفا کند، به صورت فرم‌های نظر خواهی همانند جدول ۱ در اختیار دانشگاهیان (استادان و دانشجویان) قرار دهند. اگرچه تعداد فرم‌های جواب داده شده نسبت به فرم‌های فرستاده شده بسیار اندک بود [به دلیل عدم احساس امنیت در پاسخ بی طرفانه به سؤالات]، ولی سعی شد جواب‌های ارسالی آمارگیری و نتایج مورد نظر استخراج شود. نمودارهای ۱ و ۲ درصد تمایل به مهاجرت و کشور مقصد را در بین دانشجویان نشان می‌دهد و نمودارهای ۳ و ۴ همین مطلب را برای استادان و متخصصان نشان می‌دهد. نظر استادان و دانشجویان برای تمایل به مهاجرت یا باقی ماندن در کشور خویش نشان می‌دهد که استادان و متخصصان ۸۷٪ و دانشجویان ۹۶٪ تمایل به مهاجرت دارند.

آمار نظر سنجی دانشجویان در خصوص کشور منتخب برای مهاجرت [در صورت تمایل به مهاجرت] نشان می‌دهد که ایالات متحده بالاترین انتخاب را به خود تخصیص داده است. جداول ۲ و ۳ به ترتیب نتایج آمار به دست آمده از نظر سنجی دانشجویان و استادان را در باره درجه اهمیت عوامل مؤثر در مهاجرت نخبگان نشان می‌دهد.

به نام خداوند جان و خرد

تاریخ:

ویژه دانشجویان

فرهنگستان علوم

جمهوری اسلامی ایران

پروژه پژوهشی بررسی علل مهاجرت متخصصان و فرار مغزها از کشور

دانشجوی گرامی،

با سلام، خواهشمند است به منظور تحقق موضوع پژوهشی فوق فرم ضمیمه را تکمیل فرمایید. لطفاً چنانچه علاوه بر عوامل مذکور موارد دیگری از دیدگاه شما وجود دارد در ردیف های خالی منعکس کنید و آنها را نیز مورد ارزیابی قرار دهید. تذکر مهم : پرسشنامه بی نام است.

مشخصات:

- ۱- رشته تحصیلی
- ۲- مقطع تحصیلی
- ۳- نام دانشگاه
- ۴- جنس

پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۱: فرم نظر سنجی از استادان و دانشجویان در خصوص انگیزه فرار مغزها

ردیف	عوامل	ارزیابی			
		خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم بی اثر
۱	ارضای بهتر شغلی در کشور مقصد				
۲	علاقه‌مندی به ادامه تحصیل در کشورهای پیشرفته اقتصادی				
۳	وجود فضای مناسب‌تر علمی و آموزشی و تحقیقاتی در کشور مقصد				
۴	عدم توجه شایسته به شأن علم و عالم در کشور				
۵	برخوردهای نامناسب با اندیشمندان				
۶	نارسایی‌های موجود در حوزه امنیت فردی، شغلی، قضایی و اقتصادی				
۷	جاذبه‌های رفاهی و امکانات بیشتر لذت بردن از زندگی و امکانات تفریحی در کشور مقصد				
۸	وجود تضادهای نگران کننده بین جریان‌های فعال در صحنه سیاسی کشور				
۹	عدم توجه شایسته به شأن دانشجو و برخوردهای نامناسب با دانشجویان در کشور				
۱۰	کنجکاوی در یافتن مکان‌های جدید برای تحقیق و زندگی				
۱۱	آزادی بیشتر و شرایط بهتر در کشور مقصد از نظر رعایت حقوق فردی و مسائل شخصی افراد و محدودیت‌های موجود در کشور از این نظر				
۱۲	ناامیدی به پیشرفت و آینده کشور در مقایسه با کشورهای پیشرفته جهان از نظر علمی و فناوری				
۱۳	ایجاد حالت انفعالی از نارسایی‌های اجتماعی و فساد مالی در ساختار اداره کشور				
۱۴	توسعه شکاف طبقاتی و نگرانی‌های مربوط به نارسایی‌های عدالت اجتماعی				
۱۵	نگرانی مربوط به تمایزات قومی و مذهبی برای اقلیت‌ها				
۱۶	مشکلات مربوط به شرایط فرهنگی، تابوها و صور رفتاری (حلال و حرام)				
۱۷					
۱۸					
۱۹					
۲۰					

۱- آیا در صورت خروج از کشور:

الف - همیشه در آنجا خواهید ماند

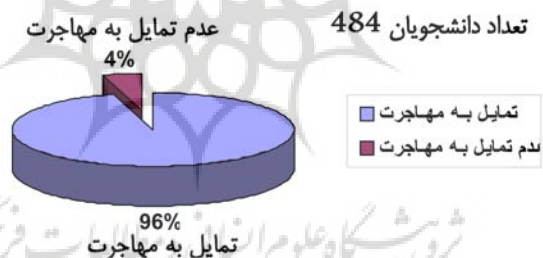
ب - قطعاً پس از فارغ‌التحصیلی به کشور مراجعه خواهید کرد

ج - احتمال بازگشت به کشور در آینده وجود دارد

۲- چه کشوری را برای مهاجرت ترجیح می دهید؟

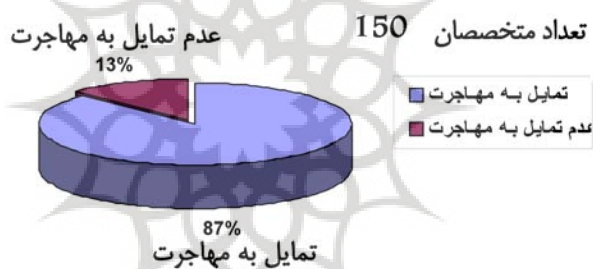
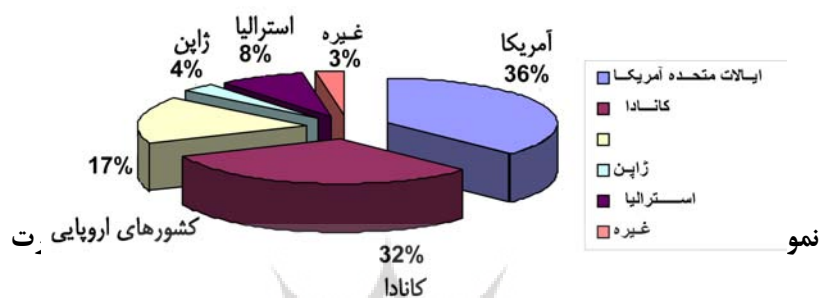
ایالات متحده آمریکا کانادا استرالیا

یکی از کشورهای اروپایی ژاپن غیره



نمودار ۱: درصد تمایل به مهاجرت دانشجویان به خارج از کشور برای مدت زمان نامعلوم

تعداد دانشجویان 671

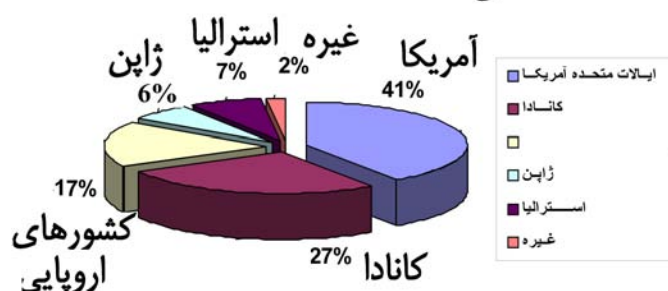


نمودار ۳: درصد تمایل به مهاجرت استادان و متخصصان به خارج از کشور برای مدت

زمان نامعلوم

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تعداد متخصصان = 207



نمودار ۴: درصد تمایل به کشورهای مقصد مورد علاقه استادان و متخصصان برای مهاجرت

جدول ۲:

آمار بدست آمده از نظر سنجی از دانشجویان در مورد عوامل مهاجرت به خارج از کشور

ردیف	عوامل	عوامل				
		خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	بی اثر
1	ارضای بهتر شغلی در کشور مقصد	173	197	77	16	21
2	علاقه مندی به ادامه تحصیل در کشورهای پیشرفته اقتصادی	237	152	66	13	9
3	وجود فضای مناسب تر علمی و آموزشی و تحقیقاتی در کشور مقصد	317	124	33	8	2
4	عدم توجه شایسته به شأن علم و عالم در کشور	241	127	88	25	20
5	بر خوردهای نامناسب با ادمیتستان	206	123	98	38	21
6	نارسایی های موجود در حوزه امنیت فردی ، شغلی ، قضایی و اقتصادی	214	149	86	28	20
7	جاذبه های رفاهی و امکانات بیشتر لذت بردن از زندگی و امکانات تفریحی در کشور مقصد	156	115	131	61	31
8	وجود تضاد های نگران کننده بین جریانهای فعال در صحنه سیاسی کشور	98	126	117	93	52
9	عدم توجه شایسته به شأن دانشجو و بر خوردهای نامناسب با دانشجویان در کشور	178	142	109	51	25
10	کنجکاوی در یافتن مکلفات جدید برای تحقیق و زندگی	117	119	133	84	38
11	آزادی بیشتر و شرایط بهتر در کشور مقصد از نظر رعایت حقوق فردی و مسائل شخصی افراد و محدودیتهای موجود در کشور از این لحاظ	167	138	116	46	35
12	ناامیدی به پیشرفت و آینده کشور در مقایسه با کشورهای پیشرفته جهان از نظر علمی و تکنولوژی	189	158	78	33	35
13	ایجاد حالت لاعلمی از نا رسانی های اجتماعی و فساد مالی در ساختار اداره کشور	170	156	92	26	34
14	نوسعه شکاف طبقاتی و نگرانیهای مربوط به نارسایی های عدالت اجتماعی	128	132	93	50	37
15	نگرانی مربوط به تمایزات قومی و مذهبی برای اقلیتها	35	62	104	135	147
16	مشکلات مربوط به شرایط فرهنگی ، تابو ها و صور رفتاری (حلال و حرام)	58	79	123	113	111

جدول ۳:

آمار بدست آمده از نظر سنجی از اساتید دانشگاهها در مورد عوامل مهاجرت به خارج از کشور

ردیف	عوامل	ارزیابی			
		خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم
1	ارضای بهتر شغلی در کشور مقصد	5	9	2	0
2	لقدان نظام بهره گیری از توان علمی و تحقیقاتی متخصصان و احساس عدم کارایی تخصصی	7	9	2	0
3	آزادی های بیشتر سیاسی و اجتماعی و شرایط بهتر در کشور مقصد از نظر رعایت حقوق فردی و مسائل شخصی افراد و محدودیت‌های موجود در کشور از این نظر	10	5	2	1
4	ناامیدی به پیشرفت و آینده کشور در مقایسه با کشورهای پیشرفته جهان از نظر علمی و تکنولوژی	11	6	2	0
5	نارسایی های موجود در حوزه امنیت فردی ، شغلی ، قضائی و اقتصادی و احساس نا امنی	7	8	3	0
6	کمی حقوق و درآمد	6	5	6	2
7	وجود مدیران ضعیف در امور علمی و اجرایی و بر خوردهای نامناسب مدیریتی	7	7	4	1
8	بهبتر کردن فرصتها برای فرزندان و همسر	7	8	4	0
9	توسعه شکاف طبقاتی و نگرانیهای مربوط به نارسایی های عدالت اجتماعی	6	5	8	0
10	ایجاد حالت انفجالی از نا رسائی های اجتماعی و فساد مالی در ساختار اداره کشور	6	8	4	1
11	جاذبه های رفاهی و امکانات بیشتر لذت بردن از زندگی و امکانات تفریحی در کشور مقصد	4	6	2	4

نتایج جدول ۲ نظر سنجی دانشجویان را در خصوص علل مهاجرت افراد تحصیل کرده به خارج از کشور نشان می دهد. همان طور که ملاحظه می شود، بیشترین مورد به گزینه " وجود فضای مناسب تر علمی و آموزشی و تحقیقاتی کشور مقصد " مربوط می شود. در مورد نظر سنجی از استادان محترم با توجه به کمبود داده ها، نتایج جدول ۳ نشان می دهد که بالاترین عوامل مهاجرت استادان به دو عامل: ۱- " ناامیدی به پیشرفت و آینده کشور در مقایسه با کشورهای پیشرفته جهان از نظر علمی و فناوری " ؛ ۲- " آزادی های بیشتر سیاسی و اجتماعی و تحقیقاتی متخصصان و احساس عدم کارایی تخصصی " مربوط می شود.

۳. نتیجه گیری

اگرچه طبق گزارش مؤسسه تحصیل بین‌المللی Open Doors در سال ۲۰۰۳ نرخ مهاجرت نخبگان به ترتیب متعلق به کشورهای چین، جمهوری کره، هندوستان و ژاپن بوده است [۱۸] و ایران در جایگاه پایین تری قرار دارد، ولی نتایج نظر سنجی‌ها نشان می‌دهد که هنوز علل و انگیزه‌های محرک در خروج نخبگان به قوت خود باقی مانده است. محققان علت کاهش رتبه ایران در فرار نخبگان را بیشتر معلول وجود موانع و سختگیری‌های قانونی، فرهنگی و مذهبی می‌دانند که در سر راه خروج این افراد وجود دارد. زیرا در مقایسه با دیگر کشورهای دنیا، محدودیت‌های خروج افراد ایرانی از کشور بسیار بیشتر از سایر کشورهاست که در بخش‌های قبلی نیز به منشأ آنها اشاره شد. لذا، با توجه به مطالب ارائه شده می‌توان چنین نتیجه گرفت که برای کاهش نرخ مهاجرت ایرانیان نخبه باید با راهکارهای قابل اجرا علل و عوامل فرار مغزها را کاهش داد و حتی حذف کرد. در غیر این صورت، باید با توجه به جهانی شدن این پدیده شرایطی را فراهم آورد که حداقل بتوان از ایده، نتایج و توانایی‌های نخبگان مقیم کشورهای پیشرفته که منشأ اثر بسیاری از فناوری‌ها و اکتشاف‌های علمی هستند، استفاده کرد؛ یعنی اگر حضور فیزیکی آنها مقدور نیست، حداقل حضور توانایی‌های آنها را در مراکز علمی کشور فراهم آوریم، چرا که امروزه با پیشرفت فناوری و با پا به عرصه گذاشتن فناوری IT این مهم به راحتی انجام شدنی است.

مراجع

۱. مهاجرت، دلایل و انگیزه‌ها، نامه انقلاب اسلامی، شماره ۴۳، ۱۳۶۶.
۲. احسان نراقی، مهاجرت استادان و محققان از کشورهای جهان سوم، مجله نامه علوم اجتماعی، شماره ۳، ۱۳۴۸.
۳. علل و انگیزه‌های فرار مغزها از کشورهای جهان سوم و راه‌های جلوگیری از آن، مجله اقتصادی، شماره ۶، صص. ۴۵-۴۳، ۱۳۶۸.
۴. حسین شهیدزاده، فرار مغزها مشکل بزرگ جهان سوم، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۴۵-۴۶، صص. ۱۰-۴، ۱۳۷۰.
۵. هاشم ندایی، نظام‌های تعلیم و تربیت و فرار مغزها، مصباح، شماره ۷، صص. ۱-۱۶، ۱۳۷۲.
۶. جمشید اسدی، فراری دادن مغزها و نه فرار مغزها، گزارش، شماره ۵۵، ۱۳۷۴.
۷. ویلیام. ای. گلاسه، فرار مغزها، ترجمه مجید محمدی، شکوفه، شماره ۴، صص ۳۹ و ۴۸، ۱۳۷۴.
۸. اعتراض تشکل‌های دانشجویی، صنفی سیاسی به حکم تیرته کوی دانشگاه، همشهری، شماره ۲۱۶۵، صص. ۲۳، ۱۳۷۵.
۹. فرار مغزها! یا فراری دادن مغزها؟، روزنامه ایران، ۱۳۷۷.
10. <http://khabarnameh.gooya.com/society/archives/013631.php>
۱۱. مجله آفتاب، شماره ۳۲، دی - بهمن ۱۳۸۲، ص. ۷۰.
12. <http://www.persiantalk.com>
۱۳. خسرو سلجوقی، "مهاجرات نخبگان - علل و راهکارها"، ریاست جمهوری، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، مقاله شماره ۱۸۷۲۵.
۱۴. مهرزاد بروجردی، تأکید زیاد بر جذب سرمایه‌داران مقیم خارج...، بهار، شماره ۶۵، ص. ۱۰، ۱۳۷۹.
۱۵. اطلاعات سیاسی اقتصادی، صص. ۱۹۱-۱۹۲.

محمد حسین میرباقری و پرویز دوامی ۲۳

۱۶. نشریه الکترونیکی نکاپو

۱۷. نشریه الکترونیکی نکاپو، ۲۴ تیر، ۱۳۸۳.

18. <http://bridges.ostina.org>.

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۵/۵/۱۵)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی